

راهبردهای امام علی⁷ در رویارویی با عصیت قبیله‌ای جامعه پس از پیامبر اکرم⁹

دکتر رسول محمد جعفری^۱

چکیده

مقارن با ظهور اسلام، عرب را روحیهٔ تعصب قبیله‌ای کورکورانه و فخر فروشی نژادپرستانه بود. رسول خدا⁹ در طول رسالتش، تلاش فراوانی در زدودن این خصلت داشت، اما پس از رحلت ایشان امت از سیره نبوی⁹ روی گردان شد. امام علی⁷ چون بر مسند خلافت تکیه زد، با این معضل روبه‌رو بود، این تحقیق در پی پاسخ به این سؤال است که رهیافت‌های امام علی⁷ در رویارویی با عصیت قبیله‌ای و نژادی چگونه بود؟ به نظر می‌رسد ایشان دو راهبرد نظری و عملی - همچنان که در اصلاح هر انحرافی لازم است - در پیش گرفتند. در راهبردهای نظری به تبیین ریشه‌های نژادپرستی و زمینه‌های شکل‌گیری آن پرداخته، خودبرتربینی، وسوسه‌های شیطان و قیاس خود با دیگران را عوامل روحی و روانی و پیروی از بزرگان کوتاه‌اندیش و رفاه‌زدگی را زمینه‌های شکل‌گیری تعصب و تبعیض بیان داشتند. در راهبردهای عملی، امام علی⁷ سه راهبرد احیای جایگاه حقوقی و اجتماعی گروه‌های مورد تبعیض، عدالت اقتصادی و انتقال مرکز حکومت از مدینه به کوفه را به کار گرفتند.

کلید واژه‌ها: امام علی⁷ و عصیت، عصیت قبیله‌ای، ریشه نژادپرستی، خودبرتربینی.

۱- استادیار دانشگاه شاهد تهران / rasulmohamadjafari@yahoo.com

دریافت: ۱۳۹۳/۱۲/۱۹ - پذیرش: ۱۳۹۴/۳/۳۰.

مقدمه

عرب پیش از اسلام دارای روحیهٔ تعصب قبیله‌ای شدید بود؛ احمد امین مصری می‌نویسد: عرب‌ها در جاهلیت احساس نیرومندی نسبت به ملیت خود نداشتند و احساسات فردی و قبیله‌ای بر آنان حکم فرما بود. اگر به اشعار صحیح جاهلی رجوع کنیم فراوان حس قبیله‌گی را درمی‌یابیم. آنان قبیله را مدح کرده، سرود پیروزی‌اش را سراییده، محاسنش را برشمرده، به خاطر قبیله خود، قبیله دیگر را هجومی کردند.^۱ شیوه زندگی بر این مَثَل استوار بود: «برادرت را چه ظالم باشد و چه مظلوم یاری کن». ^۲ بنابراین مقارن با رستاخیز رسالت رسول خدا ﷺ، شبه جزیره حجاز، آکنده از تعصبات قبیله‌ای و روح نژادپرستی بود. آن حضرت تا واپسین ایام حیات خویش به مقابله با این انحراف اجتماعی همت گماشتند، چنان که در خطابه غدیر به آن اشاره داشتند.^۳

بعد از وفات پیامبر اکرم ﷺ توده مسلمانان از سیره پیامبر عدول کرده، به عادات ناپسند جاهلی رجعت کردند. بازگشت به سیره آباء و اجداد، با کنار زدن وصی و جانشین منصوص پیامبر ﷺ آغاز شد و دیگر سنت‌های جاهلی و قبیله‌ای از پوستین خود سربیزون می‌آوردند. از جمله این سنت‌های جاهلی، تبعیض میان بندگان خداوند بود. تعصبات قبیله‌گی نیز نه تنها رخت برن بست، بلکه قومیت‌گرایی بدان افزوده شد. احمد امین می‌نویسد: زمانی که اسلام ظهور کرد عرب تبدیل به امتی با زبان و آیین واحد گردید و از یک حکومت مرکزی برخوردار شد. عرب به دنبال دو ملت و حکومت بزرگ زمان خود؛ یعنی فارس و روم توانست حکومت تشکیل دهد. اما با توجه به تعصب قبیله‌ای که همچنان قلوب عرب را در تسخیر خود داشت، پس از اسلام آنان هم‌زمان دو گرایش و

۱- امین، احمد، ضحی الاسلام، ج ۱، ص ۱۷.

۲- میدانی، احمد بن محمد، مجمع الامثال، ص ۲۹۷.

۳- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول، ص ۳۴.

رویکرد داشتند: گرایش به قبیله و عشیره و طایفه خود از یک سو و گرایش به قوم و امت و نژاد عرب از سوی دیگر، این دورویکرد در صدر اسلام متبلور بود و ما در حاکمیت اسلام با عربی مواجه هستیم که مانند دوران جاهلیت به قبیله خود فخر می کند و فخر نژادی را نیز به آن افزوده است.^۱

امام علی^۷ پس از رسیدن به خلافت - در دوران کوتاه خلافتش - برای مقابله با نژادپرستی و قومیت‌گرایی راهبردهای متعدد و متنوعی را در پیش گرفتند. در این زمینه می توان به تحقیقات مشابهی که به موضوع نژادپرستی پرداخته اند، اشاره داشت: آقای علی حجتی کرمانی در سلسله مقالات خود در مجله «درس‌هایی از مکتب اسلام» طی پنج شماره، با عنوان «اسلام و تبعیضات نژادی» (۱-۵)، به نقد و بررسی دیدگاه نژادپرستان از دیدگاه اسلام پرداخته است. در پژوهشی دیگر، نگارنده در مجله «تحقیقات علوم قرآن و حدیث»، مقاله «راهبردهای قرآن برای مقابله با تبعیض نژادی» را نگاشته و در آن به طور کلی به رهیافت‌های قرآن در رویارویی با تبعیض نژادی پرداخته است. بدین سان مطالعه و بررسی راهبردهای امام علی^۷ در مقابله با نژادپرستی، از مسائلی است که درباره آن تحقیقی بایسته و مستقل سامان نیافته است و تحقیق پیش رو عهده دار این مهم است.

۱- راهبردهای امام علی^۷ در رویارویی با تبعیض نژادی

برابر با شماری از روایات، امام علی^۷ پیش از تکیه زدن بر مسند خلافت در مقابل تبعیضات حکومت، موضع‌گیری داشته است؛ کلینی با سند خود از امام صادق^۷ نقل می کند: موالی (اسیران آزاد شده) نزد امام علی^۷ آمده، از عرب شکایت کردند و گفتند: رسول خدا^۹ در تقسیم اموال، ما و عرب را یکسان می‌نگریست، سلمان و بلال و صهیب را به ازدواج (با زنان عرب) درمی آورد، اما اینان ما را محروم ساخته می‌گویند: ما چنین نمی‌کنیم.

علی^۷ سوی آنان رفته، درباره موالی با ایشان صحبت کرد. فریاد آنها بلند شده گفتند: هان ابا الحسن! ما از رویه خود دست بر نمی‌داریم.

۱- امین، احمد، ضحی الاسلام، ج ۱، ص ۱۹-۲۰.

امام ⁷ خشمگین و عباکشان از آنان جدا شد و به سوی موالی رفته فرمود: ای موالیان! اینان با شما چون یهود و نصاری رفتار می‌کنند؛ زنان عجم را به نکاح خود درمی‌آورند، ولی از ازدواج شما با زنان عرب منع می‌کنند و به اندازه‌ای که خود از بیت‌المال سهم برمی‌دارند، به شما نمی‌دهند. حال که چنین است روی به تجارت آورید، خداوند به شما برکت دهد. از رسول خدا ⁹ شنیدم که فرمود: روزی ده جزء دارد، ⁸ جزء آن در تجارت و یک جزء در غیر آن است. ¹

چنان که ظاهر است، این اعتراض مسالمت‌آمیز امام علی ⁷ مربوط به دوران دور از حکومت و خانه‌نشینی بوده است. بدیهی است امام ⁷ چون قدرت اجرایی نداشته به مذاکره بسنده می‌کند؛ چرا که بنابر حدیث امام صادق ⁷ خداوند زبان گشوده و دست بسته را در کناری یکدیگر نهاده است، بلکه باید با هم گشوده و با هم بسته باشند. ²

در نوبتی دیگر امام ⁷ خلیفه دوم را به اموری چند - که یکی رعایت مساوات میان همه طبقات اجتماعی است - سفارش می‌کند؛ امام صادق ⁷ از امام علی ⁷ نقل می‌کند که ایشان به عمر بن خطاب می‌فرماید: اگر بر سه امر مواظبت کرده به آنها جامه عمل پیوشانی تو را از کارهای دیگر کفایت خواهند کرد و اگر آنها را فروگذاری، کارهای دیگر تو مفید واقع نخواهد شد.

عمر از آنها سؤال کرد؛ امام ⁷ فرمود: اجرای حد بر همگان؛ اعم از خویشاوندان و غیر آنان، حکم راندن بر اساس کتاب خدا در خشنودی و خشم، تقسیم عادلانه میان سُرخان و سیاهان.

عمر گفت: سوگند به جانم که کوتاه و رسا اندرز دادی. ³

امام علی ⁷ با اموالی که حاصل دسترنج خود بود، هزار برده را - که قاعدتاً غیر عرب نیز بوده‌اند - خریداری کرد و آزاد ساخت، ⁴ این در حالی است که عمر در واپسین ایام

۱- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۵، ص ۳۱۸-۳۱۹.

۲- همان، ج ۵، ص ۵۵.

۳- طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۲۲۷.

۴- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۵، ص ۷۴؛ ج ۸، ص ۱۶۳.

حیاتش وصیت می‌کند تنها اسیران عرب که تا آن زمان در بند می‌باشند، از بیت‌المال خریداری و آزاد گردند.^۱

اما امام علی^۷ بیست و پنج سال پس از وفات رسول خدا^ﷺ وارث حکومتی گردید که از مسیر صحیح خود منحرف شده، به فقهرا می‌رفت. بسیاری از ضد ارزش‌ها به ارزش تبدیل شده و شریعت چنان دستخوش فزونی‌ها و کاستی‌ها شده بود که گویی نسخ گردیده است؛ چنان که اصحاب جمل به علی بن ابی‌طالب^۷ گفتند: سَنَّتْ عُمَرَيْنِ یعنی ابوبکر و عمر را به ما بازگردان.^۲ سران اصحاب جمل (طلحه و زبیر) گمان می‌کردند امام^۷ به سان خلفای پیشین، دوستان خود را متفاوت‌تر از دیگران می‌نوازد، ولی چون برخلاف انتظارشان عدالت امام^۷ را در تقسیم برابریت‌المال دیدند، زبان اعتراض گشوده، سنت خلیفه دوم را در تقسیم ناهمگون اموال متذکر شدند، امام^۷ در پاسخ فرمود: «آیا پیروی از سنت رسول خدا^ﷺ سزاوارتر است یا پیروی از سنت عمر؟»^۳

بنابراین یکی از مهم‌ترین دشواری‌های امام علی^۷، تبعیض در توزیع اموال عمومی به دلیل تفاوت نژادها بود. دیگر دشواری امام^۷ تعصب شدید قبیله‌ای بود که رسوبات آن پس از ظهور اسلام همچنان به جای مانده بود و در وقت مناسب، خود را می‌نمایاند. تعصب قبیله‌ای گاه چنان بود که امیرمؤمنان^۷ آن را بدون علت و سبب می‌داند: «نگریستم و هیچ یک از جهانیان را نیافتم که برای چیزی تعصب ورزد جز آنکه آن تعصب را علتی بود؛ آنچه نادانان را بفریبید و یا پذیرفتن آن اندیشه بی‌خردان را زبید. تنها شماید که برای چیزی تعصب می‌نمایید که آن را سببی شناخته نیست و علتی دانسته نه.»^۴

ابن‌ابی‌الحدید می‌نویسد: جریان این تعصب و ایراد خطبه زمانی بود که تعدادی از قبایل کوفه در واپسین ایام خلافت امیرمؤمنان^۷ درگیری به وجود آوردند، ماجرا از این قرار بود که شخصی از محل سکونت قبیله خود به سوی خانه‌های قبیله دیگر رفته، نام قبیله

۱- مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، ج ۱، ص ۴۲۱.

۲- نحاس، احمد بن محمد، معانی القرآن، ج ۶، ص ۳۶۱.

۳- ابن حئیون، نعمان بن محمد، دعائم الإسلام، ج ۱، ص ۳۸۴.

۴- سید رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، ترجمه سید جعفر شهیدی، ص ۲۱۷-۲۱۸.

خود، مثلاً: «نخع یا کنده» را با صدای بلند و به قصد ایجاد برخورد و نزاع سرمی داد و قبیله خود را به فریادرسی می‌طلبید. جوانان قبیله مقابل، شخص را احاطه کرده، فریادرسی از قبیله تمیم یا قبیله ربیعہ می‌کردند، آن گاه به او هجوم برده، کتک می‌زدند، فرد مضروب نزد قبیله خود رفته، فریادرسی می‌کرد. بدین سان شمشیرها از نیام بیرون آمده جنگ‌ها برمی‌خاست و تنها دلیل این جنگ‌ها، برخورد چند جوان با یکدیگر بود.^۱

ابن ابی‌الحدید به مناسبتی دیگر می‌نویسد: اغلب کسانی که در سپاه علی^۷ نبرد می‌کردند به خاطر تعصب و تکبر عرب بود، نه به خاطر عقیده و دین.^۲

راهبردهای امام علی^۷ برای مقابله با تبعیض نژادی و تعصبات قبیله‌ای در دو بخش راهبردهای نظری و عملی قابل تحلیل و ارزیابی است؛ امام^۷ در راهبردهای نظری، ریشه‌ها و منشأ نژادپرستی را نمایانده، معیار و ملاک واقعی برتری انسان‌ها نسبت به یکدیگر را-که به بوته فراموشی سپرده شده بود- یادآور شدند و در راهبردهای عملی، راهبرد «احیای جایگاه حقوقی و اجتماعی گروه‌های مورد تبعیض»، راهبرد «عدالت اقتصادی» و راهبرد «انتقال مرکز حکومت از مدینه به کوفه» را در پیش گرفتند.

امام علی^۷ آن گونه در جهت تحقق اهداف الهی خود گام برداشته، بر عهد خود استوار ماند که هیچ هراسی از سرزنش سرزنش‌کنندگان به خود راه نداد،^۳ این غریب‌های عدالت خواهانه امام^۷ که از اعماق وجودش برمی‌خاست موجب گردید در دوران حکومت پنج ساله ایشان، کیان متعصبان و نژادپرستان فخر فروش، به سستی گراید.

۱-۱- راهبردهای نظری

از آنجا که هر رفتاری در تحلیل نهایی حاصل طرز اندیشه می‌باشد، صلاح یا فساد اندیشه، عملی مطابق را در پی خواهد داشت. مراد از راهبردهای نظری، ارائه اندیشه و معرفتی صحیح از انسان و جایگاه او در نظام هستی می‌باشد. با دستیابی به مجموعه‌ای از

۱- ابن ابی‌الحدید، عبد الحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغه، ج ۱۳، ص ۱۶۷-۱۶۸.

۲- همان، ج ۷، ص ۷۲.

۳- سید رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، ص ۳۰۲.

آگاهی‌های صحیح نسبت به انسان که البته لازمه آن اشراف به لایه‌های آشکار و پنهان وجود آدمی است، افسار لجام گسیخته تعصبات و تبعیض‌ها مهار می‌گردد. امام علی⁷ که انسان‌شناسی آگاه از اعماق وجودی انسان است، از سویی ریشه‌های نژادپرستی در وجود انسان‌ها را متذکر می‌گردد تا به رفع آنها اقدام شود و از سوی دیگر ملاک حقیقی برتری آدمیان را بر یکدیگر می‌نمایاند.

۱-۱-۱- تبیین ریشه‌های نژادپرستی

هر اندیشه و فکری که در انسان صورت می‌بندد و هر فعلی که از او صادر می‌شود، ناشی از علل و عواملی است، بینش و منش نژادپرستانه نیز مستثنای از آن نمی‌باشد، با تجزیه و تحلیل سخنان امیرمؤمنان⁷ می‌توان ریشه‌های نژادپرستی را به دو دسته عوامل روحی و روانی و عوامل بسترساز تقسیم کرد:

۱-۱-۱-۱- عوامل روحی و روانی

مقصود عواملی هستند که منشأ آنها، طرز تفکر و روحیه خاص شخص نسبت به خود و دیگران است؛ این عوامل برابر با رهنمودهای امام علی⁷ عبارت‌اند از: الف) خودبرتربینی، ب) وسوسه‌های شیطان، ج) قیاس. این علل در عرض یکدیگر نمی‌باشند، بلکه میان آنها رابطه طولی برقرار است، به این معنا که خودبرتربینی زمینه وسوسه را در آن انسان فراهم می‌آورد و با این دو به قیاس مبادرت می‌کند.

الف) خودبرتربینی

اگرچه خودبرتربینی نه فقط عامل نژادپرستی، بلکه ریشه تمام معاصی است، شاید تعصبات قومیتی و قبیله‌ای و نژادپرستی بیش از دیگر رذایل ریشه در خودبرتربینی داشته باشند؛ چنان که شهید صدر نیز می‌نویسد: «نژادپرستی ریشه در خودخواهی انسان‌ها دارد».^۱

بلندترین خطبه‌ای که بر تارک نهج البلاغه درخشیده و به خطبه قاصعه مشهور است،

۱- صدر، سید محمد، تاریخ پس از ظهور، ص ۷۸.

مشمول بر شواهدی است دال بر اینکه امام⁷ نه تنها از تعصب قبیله‌ای، بلکه از تعصب نژادی نیز نگرانی عمیق دارد. ^۱ تبیین ریشه‌ها یکی از محورهای مهم این خطبه است؛ از جمله مواردی که به آن اشاره رفته است، روحیه تکبر و خود را در اوج دیدن بود. امام⁷ شیطان را پیشوا و سرسلسله جنبان نژادپرستی معرفی می‌کند^۲ و بیان می‌دارد که چگونه شیطان به دلیل آنکه نژاد خود را برتر از آدم می‌دانست از سجده بر او سرباز زد: «پس سجده کردند فرشتگان همگی، جز شیطان که رشک او را فرا گرفت و به آفرینش خویش بر آدم نازید و به اصل خود - که آتش است - بر او غیرت ورزید.... به خدا سوگند، او بر اصل شما فخر کرد و گوهرتان را پست‌تر از گوهر خود شمرد و بر تبارتان حمله آورد».^۳

ابن‌ابی‌الحدید زمان ایراد خطبه قاصعه را مربوط به وقتی می‌داند که تعدادی از قبایل کوفه در واپسین ایام خلافت امیرمؤمنان⁷ به دلیل تعصبات قبیله‌ای درگیری به وجود آوردند.^۴

ب) وسوسه های شیطان

از آنجا که شیطان با خود برتری از دستور خداوند سرپیچی کرد، گاه و بی‌گاه انسان را می‌فریبد تا با نهال خودبینی که در انسان غرس شده او را به تعصب و نژادپرستی دچار سازد؛ امام⁷ در خطبه قاصعه هشدار می‌دهد که تعصبات و نژادپرستی در میان انسان‌ها از وسوسه های مرموز شیطان نشئت می‌گیرد: «پس آتش عصبیت را که در دل هاتان نهفته است خاموش سازید، و کینه‌های جاهلیت را براندازید که این حمیت در مسلمان از آفت‌های شیطان است و نازیدن های او و بر آغالیدن‌ها و افسون دمیدن های او».^۵

۱- شمس‌الدین، محمد مهدی، تاریخ و حركة التقدم البشرى و نظرة الاسلام، ص ۱۰۶.

۲- إِمَامُ الْمُتَعَصِّبِينَ وَ سَلَفُ الْمُشْتَكِرِينَ الَّذِي وَضَعَ أَسَاسَ الْعَصَبِيَّةِ (سید رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغة، ص ۲۸۶).

۳- سید رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغة، ص ۲۱۱-۲۱۲.

۴- ابن‌ابی‌الحدید، عبد الحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغة، ج ۱۳، ص ۱۶۷.

۵- سید رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغة، ص ۲۱۰-۲۱۲.

ج) قیاس

صاحبان روحیه خودبرتربینی، هر زمان به مقایسه خود با دیگران پرداخته، دلایل برتری پوشالی خود را یادآور می‌گردند؛ گاه اصل و نسب خود را، گاه رنگ پوست و چهره خود را و گاه تمکن مادی و جایگاه اجتماعی خود را؛ در همان خطبه قاصعه امام علی ⁷ می‌فرماید: «شیطان به خاطر گوهر خود بر آدم تعصب آورد، و در آفرینش وی او را سرزنش کرد و گفت: من از آتش ساخته‌ام و تواز گل پرداخته».^۱

شیطان اصل و نژاد خود را با آدم مقایسه کرد و در گمانش، خلقت ناری خود را برتراز خلقت طینی آدم ⁷ یافت. از این رو هر زمان که قیاس بر اساس خصوصیات و ویژگی‌های ذاتی باشد و نه بر پایه عمل صالح و فضایل اکتسابی، سرکشی و عدم کرنش در مقابل حق را در پی داشته، انسان خود را برتراز هموعانش خواهد پنداشت.

۱-۱-۲- عوامل بسترساز

مقصود عواملی هستند که زمینه ایجاد و رشد تبعیض را فراهم می‌آورند. محیط زندگی اعم از خانواده، قوم و جامعه در اشکال مختلف در این امر دخیل هستند؛ این علل - که در اصطلاح فلسفی - علل مُعدّ نامیده می‌شوند؛ عبارت‌اند از: الف) پیروی از بزرگان، ب) رفاه‌زدگی.

الف) پیروی از بزرگان

قرآن چون فرجام مجرمان را در دوزخ ترسیم می‌کند، پس از بیان سخنان حسرت‌آمیز آنان در اطاعت نکردن از خدا و رسولش، کلام آنان را بدینجا می‌رساند که می‌گویند: (رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكُبَرَاءَنَا فَأَضَلُّونَا السَّبِيلًا). (احزاب / ۶۷).

بی‌گمان از جمله مسائلی که بزرگان جامعه در آن نقش جدی ایفا می‌کنند، راندن توده مردم به سوی تعصبات کورکورانه و فخرفروشی نژادی می‌باشد و امام علی ⁷ در خطبه قاصعه آن را گوشزد می‌کند: «هان بترسید! بترسید! از پیروی مهتران و بزرگان‌تان که به گوهر

۱- همان، ص ۲۱۸.

خود نازیدند و نژاد خویش را برتر دیدند، و نسبت آن عیب را بر پروردگار خود پسندیدند و بر نعمت خدا در حقّ خویش انکار ورزیدند، به ستیزیدن برابر قضای او و بر آغالییدن بر نعمت های او. پس آنان پایه های عصیّت اند و ستون های فتنه و شمشیرهای نازش - به خوی - جاهلیت».^۱

ب) رفاه زدگی

در آیاتی چند از قرآن کریم از گروهی با نام «مُتْرَفِین» (خوشگذرانان، نازپروردگان، ثروتمندان، توانگران و جهانداران) یاد شده که هرگاه پیامبران الهی آهنگ بیم و انذار مردمان را داشتند، اینان پیش گامان در کفرورزی به انبیاء بودند.^۲ «مُتْرَفِین» چون خود را غرق در نعمت ها می بینند، توهم خودبرتربینی در آنها شکل می گیرد. امام علی^۷ در خطبه قاصعه می فرماید: «اما توانگران و خداوندان نعمت های فراوان، تعصّب ورزیدند، چون نشانه های نعمت را دیدند، گفتند: ما را دارایی و فرزندان بیش است و عذابی مان نه در پیش است.»^۳

جمله «ما را دارایی و فرزندان بیش است و عذابی مان نه در پیش است» در کلام امام^۷ همان آیه ۳۵ سوره سبأ و در دنباله کفرورزی رفاه زدگان آمده است، اینان چونان می پنداشتند در دنیا خداوندگار ثروت و مکنّت هستند در آخرت نیز کناره از عذاب دوزخ خواهند بود. همان گونه که یهود نژادپرست می گفتند: «هرگز آتش جز چند روزی به ما نخواهد رسید.»^۴ از آنجا که قدرت و تمکن مالی معمولاً قرین یکدیگر هستند، صاحبان قدرت در زمان خلفا به ویژه در زمان عثمان که غالباً نیز از نزدیکان وی بوده، در مسئولیت های مختلف به کار گرفته شده بودند، ثروت های هنگفتی را از اموال عموم مسلمانان تملک کرده، در حکومت وی ترکتازی می کردند.^۵ از این روست که امام علی^۷

۱- سید رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، ص ۲۱۳.

۲- بنگرید به: سبأ/ ۳۴؛ زخرف/ ۲۳.

۳- سید رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، ص ۲۱۸.

۴- بنگرید به: آل عمران/ ۲۴.

۵- بنگرید به: شهیدی، سید جعفر، تاریخ تحلیلی اسلام، ص ۱۲۶-۱۳۷.

نسبت به آفت رفاه زدگی که یکی از پیامدهای آن تعصبات و تبعیض‌هاست، هشدار می‌دهد.

۱-۲- شناسایی معیارهای حقیقی فضیلت

شاید یکی از عوامل مهم فخرفروشی نژادی و تعصبات قومی و قبیله‌ای آگاهی نداشتن از ویژگی‌ها و ملاک‌های راستین برتری انسان‌ها نسبت به یکدیگر می‌باشد. قرآن یگانه میزان سنجش برتری انسان‌ها را تقوا و فضیلت‌های اخلاقی شناسانده است.^۱ امام علی^۷ که کلامش تفسیر علمی قرآن و سیره اش تجلی عینی آیات است، در خطبه قاصعه در جملاتی اثرگذار - که به تفسیر آیه پیش گفته مانند - می‌فرماید: «پس اگر به ناچار تعصب ورزیدن باید، در چیزی تعصب ورزید که شاید، در خوبی‌های نیک و گزیده و کردارهای پسندیده، و کارهای نیکو که افزونی بر یکدیگر جستند در آن، بزرگواران و دلاوران از خاندان‌های عرب و مهتران قبیله - نیکو حسب - از آراسته بودن - به خوبی خوی و رفتار، و بردباری به هنگام خشم بسیار، و آنچه پسندیده است از رفتار و کردار. پس در خصلت‌های نیکو تعصب ورزید از حمایت کردن پناهندگان، و به سررساندن پیمان و آراسته بودن به تقوا و ایمان».^۲

سخن امام^۷ در طرف ایجاب برای اثبات ملاک‌های حقیقی می‌باشد، ایشان در طرف سلب نیز، خویشاوندی را فاقد ارزش در برتری دانسته است، در سخنی بلند، امام^۷ پس از تلاوت آیه ۶۸ سوره آل عمران: «در حقیقت، نزدیک‌ترین مردم به ابراهیم، همان کسانی هستند که او را پیروی کرده‌اند، و [نیز] این پیامبر و کسانی که [به آیین او] ایمان آورده‌اند»، می‌فرماید: «دوست محمد^ﷺ کسی است که خدا را اطاعت کند هر چند نسبت به محمد^ﷺ نرسد، و دشمن محمد^ﷺ کسی است که خدا را نافرمانی کند هر چند خویشاوند نزدیک محمد^ﷺ بود».^۳

۱- بنگرید به: حجرات/۱۳.

۲- سید رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، ص ۲۱۸.

۳- همان، ص ۳۷۶.

در شعری منسوب به امام علی ⁷ درباره نفی تأثیر مسائل نژادی در شرافت انسانی آمده است: به جانت سوگند که ارزش انسان تنها به دین اوست؛ از این رو با تکیه بر حسب و نسب، تقوا را رها مکن. اسلام، سلمان فارسی (بدون اصل و نسب) را بالا برد و حال آنکه شرک، ابولهب دارای نسب شریف را، پایین کشید. ^۱

۱-۲- راهبردهای عملی

مراد از راهبردهای عملی، مجموعه تدبیرها و اقدامات عملی امام علی ⁷ برای رویارویی با چالش تعصبات قبیله‌ای و نژادپرستی است که در طول بیست و پنج سال پس از وفات پیامبر ⁹ به صورت لجام گسیخته در متن جامعه اسلامی می‌تاخت. این اقدامات عبارت‌اند از: راهبرد «احیای جایگاه حقوقی و اجتماعی گروه‌های مورد تبعیض»، راهبرد «عدالت اقتصادی» و راهبرد «انتقال مرکز حکومت از مدینه به کوفه».

۱-۲-۱- احیای جایگاه حقوقی و اجتماعی گروه‌های مورد تبعیض

در زمان خلفا فتوحات گسترده‌ای در خارج از مرزهای شبه جزیره حجاز صورت گرفت؛ یکی از پیامدهای آن اختلاط نژادهای مختلف عرب، ایرانی، نبطی، رومی و بربر بود. بسیاری از اینان با مهاجرت یا به قصد جنگ به نقاط دیگر برده شده یا رفته بودند. بسیاری دیگر نیز اسیران جنگی بودند که به قبایل عربی تعلق گرفته، از مناطق مختلف به شام، عراق و حجاز آورده می‌شدند. اسیران آزاد شده را «موالی» می‌نامیدند. طبقه موالی از اعراب پایین‌تر بوده، از حقوق کمتری برخوردار بودند. زمانی که امام ⁷ زمام خلافت را به دست گرفت، برتری عرب بر موالی در جامعه، اصلی پذیرفته شده بود. ^۲

بنابراین موالی شاخص‌ترین گروهی بودند که تا قبل از زعامت امیرمؤمنان ⁷ در جامعه انواع تبعیض‌ها را متحمل می‌شدند. امام ⁷ جایگاه حقوقی و اجتماعی آنان را بازگردانده، جذب حکومت کرد. مغیره ضبی گوید: علی ⁷ نسبت به موالی خوشخویی و

۱- ابن عساکر، ابوالقاسم علی بن الحسن، تاریخ مدینه دمشق، ج ۲۱، ص ۴۲۶.

۲- جعفریان، رسول، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، ص ۶۸-۶۹.

مهربانی می‌کرد و عمر بسیار از آنان دوری می‌جست.^۱

امام علی^۷ به قدری موالی را مورد توجه قرار داده، در جایگاه نفر اول حکومت چنان آنان را به خود نزدیک کرد و منزلت اجتماعی از میان رفته آنان را استوار ساخت که اعتراض عرب نژادپرست را در پی داشت؛ عباد بن عبدالله اسدی گوید: روز جمعه علی^۷ برفراز منبر خشتی خطبه می‌خواند؛ من و ابن صوحان نشسته بودیم، اشعث وارد شده، پای بر سر حاضران نهاده، از میان آنان عبور کرد و گفت: ای امیرمؤمنان! این سرخ‌رویان (موالی، عجم) را از ما به خود نزدیک‌تر ساخته‌ای.

امام^۷ خشمگین شد، ابن صوحان گفت: امروز آنچه که بر عرب پنهان بود، آشکار می‌گردد.

علی^۷ فرمود: چه کسی بیان می‌دارد که چرا من این تنومندان بی‌مایه را که بر بستر خود می‌آسایند بر گروهی که به تهجد مشغول‌اند، برتری نمی‌دهم؟ به من دستور می‌دهید آنان را طرد کرده تا در زمره ستم‌پیشگان باشم. سوگند به آن که دانه را شکافت و جان را آفرید، از محمد^۹ شنیدم که فرمود: «سوگند به خداوند، آنان (عجم) با شما برای بازگرداندن به دین پیکار خواهند کرد آن‌سان که شما در آغاز به خاطر اسلام آوردن آنان درآویختید».^۲

چنان که گذشت، جلوگیری از ازدواج مرد عجم با زن عرب و مرد عرب با زن قریشی یکی از سیاست‌های نژادپرستانه خلیفه دوم بود که البته ریشه در عرب جاهلیت داشت. امام^۷ این سیاست را مشروع نمی‌شمرد و غیر عرب و عرب را دارای حقوق یکسان در امر ازدواج می‌دانست؛ وقتی از امام^۷ سؤال می‌شود که آیا بر موالی جایز است که با زنان عرب ازدواج کنند؟ حضرت فرمود: آیا جانتان برابر و ازدواجتان نابرابر باشد.^۳

امام^۷ در پی قصاص خون‌های به ناحق ریخته و بدون اولیای دم نیز برآمد؛ برای نمونه ایشان در پی قصاص عبیدالله بن عمر برآمد، زیرا وی هرزمان ایرانی و جفینه نصرانی را

۱- ثقفی، ابراهیم بن محمد، الغارات، ج ۲، ص ۳۴۱.

۲- همان، ج ۲، ص ۳۴۰-۳۴۱.

۳- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۳۱، ص ۳۶.

به جرم مشارکت در قتل پدرش کشته بود. عیدالله چون از نیت امام ⁷ آگاه شد سوی معاویه گریخت، و در جنگ صفین همراه معاویه بود، اما در نهایت به قتل رسید.^۱

۱-۲-۲- عدالت اقتصادی

در دوران حکومت امام علی ⁷، «نخستین مشکل امام مسئله رعایت عدالت اقتصادی بود»، تبعیض نژادی در جامعه آن روز، بیشترین تأثیر را روی تقسیم بیت المال گذاشته بود، چرا که بیش از دو دهه به صورت ناعادلانه توزیع می شد؛ جوامع روایی و کتب سیره آکنده از گزارش هایی است که امام علی ⁷ بر اجرای عدالت پافشاری کرده و نارضایتی برخی از صحابه و حتی نزدیکان ایشان را به دنبال داشته است؛ نمونه ها:

ابن ابی الحدید از ابوجعفر اسکافی نقل می کند: پس از قتل عثمان، صحابه در مسجد رسول خدا ⁹ برای امر امامت گرد آمده، با امام علی ⁷ بیعت کردند. امام ⁷ فردای آن روز بر منبر رفته، خط مشی خود را، سیره پیامبر ⁹ اعلان کرده، تأکید داشت هر که مسلمان باشد به طور یکسان از حقوق اسلامی برخوردار خواهد بود، بیت المال میان همگان یکسان تقسیم خواهد شد و هیچ کس را بر دیگری رجحانی نخواهد بود. امام ⁷ در فرجام خطابه خود، فرمود: چون فردا در رسید، نزد من حاضر آید تا اموال موجود را میانتان تقسیم کنم؛ هر مسلمان آزاد، از عرب و عجم، خواه بهره مند از بیت المال بوده و خواه محروم از آن، همگی حاضر شود، سپس امام ⁷ استغفار کرده، از منبر پایین می آید.^۳

پس از اتمام حجت امام ⁷، تنش ها شروع می شود؛ ابوجعفر اسکافی در ادامه گزارش پیش گفته می گوید: این نخستین باری بود که عرب ها، سخنان امیرمؤمنان را خوش نداشته، کینه او را به دل گرفتند و از بخشش یکسان امام ⁷ آزرده خاطر گردیدند. چون فردا در رسید، امام ⁷ عیدالله بن ابی رافع -کاتبش- را فرمان داد به هریک از مهاجران، آن گاه انصار و سپس باقی مردم -سرخ و سیاه- سه دینار دهد، سهل بن حنیف چون چنین

۱- ابن اثیر جزیری، مبارک بن محمد، *أسد الغابة فی معرفة الصحابة*، ج ۳، ص ۴۲۶.

۲- جعفریان، رسول، *حیات فکری و سیاسی امامان شیعه*، ص ۶۶.

۳- ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبة الله، *شرح نهج البلاغه*، ج ۷، ص ۳۵-۳۷.

می بیند، نخستین اعتراض را آشکار ساخته، می گوید: این را که با من یکسان درنگریستی، تا به دیروز غلام من بود، امام ⁷ فرمود: آری او را چون تو از بیت المال خواهم داد. ^۱ در نوبتی دیگر که امام ⁷ بر فراز منبر رفته، از دشوار گرفتن بر خود و بخشش بر مردم سخن می گفت، عقیل زبان به اعتراض گشود و گفت: تو من را با سیاه پوست مدینه به یک چشم می نگری؟

حضرت فرمود: خاموش باش! آیا اینجا جز تو کسی نبود اعتراض کند؟ برتری تو بر دیگران با سبقت در دین و تقواست و نه چیز دیگر. ^۲

امام علی ⁷ در خطابه ای دیگر پس از آنکه حمد و ثنای الهی را به جای می آورد، می فرماید: هان مردم! هیچ کس از آدم ⁷ بنده و کنیز زاده نشده است؛ همگان آزاد هستند جز اینکه خداوند مخارج گذران زندگی گروهی را بر گروه دیگر وا گذاشته است... ما سیاه و سفید را یکسان می دانیم؛ در این هنگام مروان به طلحه و زبیر گفت: مقصودش شما دو نفر هستید، آن گاه امام ⁷ به هر کس سه دینار عطا کردند؛ به یکی از انصار، سه دینار و به بنده ای نیز سه دینار. مردی انصاری به حضرت گفت: ای امیرمؤمنان! این بنده ای است که دیروز یوغ بندگی را از او برداشتم، آیا مرا با او به یک چشم درمی نگری؟ امام ⁷ فرمود: من در قرآن نگریستم، فرزندان اسماعیل را برتر از فرزندان اسحاق نیافتم. ^۳ مشابه چنین موضع گیری را از امام ⁷ در برابر دوزن؛ یکی عرب نژاد و دیگری عجم زاده - که برزن عرب گران آمده بود - گزارش کرده اند. ^۴

اصرار امام به مساوات و نفی تبعیض، باعث شد بخشی از بدنه سپاه امام به معاویه بگروند. بعدها ابن عباس در نامه ای که به امام حسن ⁷ نگاشته، در ضمن آن می نویسد: مردم بدین سبب پدرت را ترک گفته، به معاویه روی آوردند که ایشان اموال را به تساوی

۱- همان، ج ۷، ص ۳۷-۳۸.

۲- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۸، ص ۱۲۸.

۳- همان، ج ۸، ص ۶۹.

۴- ثقفی، ابراهیم بن محمد، الغارات، ج ۱، ص ۷۰.

میانشان تقسیم می‌کرد و این برآنان گران می‌آمد. ^۱ احمد امین به نقل از ابن ابی‌الحدید می‌نویسد: علی بن ابی‌طالب ^۷ سرشناس را برگمنام و عرب را برعجم برتری نمی‌داد و با رؤسا و امرای قبایل تسامح نمی‌کرد و همین امر از دلایل مهم کناره‌گیری عرب از ایشان بود. ^۲

جدیت امام ^۷ در رعایت عدالت میان تمام امت، عده‌ای از اصحاب را برآن داشت تا طرحی نو درافکنده، پیشنهادی تازه بر امام ^۷ عرضه دارند، تا به زعم خود مصلحت‌اندیشی آموخته باشند؛ ثقفی کوفی می‌نویسد: عده‌ای از اصحاب نزد امام ^۷ رفته، گفتند: ای امیرمؤمنان! این اموال را به اشراف عرب، قریش و کسانی که بیم سرکشی و گریختن به سوی معاویه داری، ببخش و آنان را برموالی و عجم برتری ده. اصحاب این ایده را براساس سیاستی که معاویه در جذب افراد داشت، پیشنهاد کردند. امام علی ^۷ فرمود: آیا پیشنهاد می‌کنید پیروزی را با ستم به دست آورم؟ (عدالت را قربانی مصلحت کنم؟) به خدا سوگند تا زمانی که خورشید پرتوافشانی و ستاره‌ها در آسمان نورفشانی می‌کنند، چنین نخواهم کرد، چه اگر این اموال دارایی خودم بود، به تساوی میانشان توزیع می‌کردم، حال آنکه بیت المال است. ^۳

۱-۲-۳- انتقال مرکز حکومت از مدینه به کوفه

ساکنان کوفه را غیر از عنصر عرب، عنصر اساسی دیگری شکل می‌داد؛ آنان ایرانیانی بودند که یا به اسارت (طی نبردهای مدائن، قادسیه و نهاوند) آنجا ساکن بودند، یا روستائییانی کشاورز پیشه که به دلیل مجاورت با ایران ستم پیشه، آنجا را محل سکونت اختیار کرده بودند و یا فارسیان معروف به دیالمه (دیلمیان) که از آغاز تأسیس کوفه در این شهر اقامت گزیده بودند. غیر اینان در میان زندانیان جنگ، تعداد چشمگیری از زنان ایرانی

۱- ابن ابی‌الحدید، عبد الحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغه، ج ۱۶، ص ۲۳؛ بلاذری، احمد بن یحیی بن

جابر، انساب الأشراف، ج ۳، ص ۲۹.

۲- امین، احمد، ضحی الاسلام، ج ۱، ص ۲۲.

۳- مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الأمالی، ص ۱۷۵.

بودند که به همسری مشروع اسیرکنندگان عرب درآمد، فرزند برایشان بزادند. نتیجه آنکه در زمانی کمتر از بیست سال، در حدود زمانی که علی⁷ به کوفه آمد، نسل جدید جوانی از اعراب در کوفه وجود داشتند که آنان را مادرانی ایرانی تبار بود.¹ پارسیان کوفه از موقعیت مساوی با شهروندان عرب خود در نظام اجتماعی شهر برخوردار نبودند و آنان را موالی، یا گماشتگان، می خواندند، اصطلاحی که بدون پایگی اجتماعی دلالت داشت.²

پس از پایان نبرد جمل و هزیمت کامل پیمان شکنان، امام علی⁷ از مدینه رخت برپسته، در کوفه رحل اقامت می افکند و آنجا را پایتخت حکومت برمی گزیند. تاریخ نگاران دلایلی چند را که بیشتر ناظر بر استراتژی های نظامی و سیاسی است، بر شمرده اند³، اما با توجه به گزارشی که از بافت جمعیتی کوفه ارائه گردید، برخی تحلیلگران راهبردی فرهنگی - اجتماعی یاد کرده اند، آنان معتقدند: چون در آن هنگام، مسلمانان غیر عرب در عراق و به ویژه در کوفه فراوان بودند و آن سان که شایسته زندگی آنان بود، بدانان توجه نمی شد - گویا که اسلام در انحصار نژاد عرب بود - حالی که در خلافت امیر مؤمنان⁷ که عرب و عجم، سیاه و سفید برای او طبق کتاب الهی هیچ تفاوتی نداشتند، از این رو مهاجرت امیر مؤمنان⁷ به عراق، در حقیقت این فرصت را ایجاد می کرد که همه کوفیان از حقوق و عدالت اسلامی برخوردار گردند.⁴

نتیجه گیری

جامعه نوپای اسلامی، پس از پیامبر اکرم⁹ در برخی اندیشه ها و سنت ها به واپس گرایی دچار آمد. یکی از آنها تعصبات کورکورانه قبیله ای و نژادپرستی بود. امام علی⁷ چون به خلافت رسید، از آغازین روز حکومتش آشکارا اعلان می دارد که همگان را از هر

۱- جعفری، حسین محمد، *تشیع در مسیر تاریخ*، ص ۱۳۹-۱۴۰.

۲- همان، ص ۱۴۰.

۳- حسنی، هاشم معروف، *سیرة الأئمة الاثني عشر*، ج ۲، ص ۴۲۰-۴۲۲؛ جعفری، حسین محمد، *تشیع در مسیر تاریخ*، ص ۱۴۶-۱۴۷.

۴- جعفری، محمد تقی، *ترجمه و تفسیر نهج البلاغه*، ج ۱، ص ۱۴۰.

قبیله و نژاد یکسان خواهد دید. ایشان در جهت تحقق آرمان خود از راهبردهای گوناگونی بهره گرفته، در این راستا تمام ظرفیت های ممکن را به خدمت آورد. به طور کلی آن حضرت دو راهبرد نظری و عملی داشته است؛ در بخش راهبردهای نظری، از سویی به تبیین ریشه های نژادپرستی و زمینه های شکل گیری آن پرداخته، هشدار داد که خودبرتربینی، وسوسه های شیطان و قیاس خود با دیگران، عوامل روحی و روانی شکل گیری تعصبات و فخر فروشی نژادی هستند و پیروی از بزرگان کوتاه اندیش و رفاه زدگی، زمینه های شکل گیری آن ها می باشند. اما راهبردهای عملی امام علی ⁷ در سه محور قابل تحلیل و ارزیابی می باشد، نخست «احیای جایگاه حقوقی و اجتماعی گروه های مورد تبعیض» بود؛ غیر عرب ها یا همان عجم ها که در پی فتوحات گسترده مسلمانان در شبه جزیره حجاز رو به فزونی گذارده بودند، از حقوق طبیعی شهروندی محروم بودند، امام ⁷ با نزدیک ساختن آنان به خود و مشارکت دادن در امور مختلف، حقوق پایمال شده آنان را احیا کرد. در راهبرد «عدالت اقتصادی» که از مهم ترین دشواری های امام ⁷ بود، ایشان در طول امامت پنج ساله اش، همواره در تقسیم بیت المال عرب و عجم را یکسان نگریست و این خود کینه ها و دشمنی ها علیه امام ⁷ را در پی داشت، اما در راهبرد «انتقال مرکز حکومت از مدینه به کوفه» یکی از دلایلی که امام ⁷ را برای انتقال پایتخت خلافت از مدینه به کوفه برانگیخت، جمعیت فراوان ایرانیان در آن شهر بود و چون به آنان بی مهری می شد و آن در حکومت عدل علوی، بر امام ⁷ گران می آمد، این هجرت رخ داد.

منابع

۱. *قرآن کریم*؛ ترجمه محمد مهدی فولادوند، دارالقرآن الکریم، تهران، چاپ اول، ۱۴۱۵ ق.
۲. *نهج البلاغه*، سید رضی، محمد بن حسین، ترجمه جعفر شهیدی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، چاپ چهاردهم، ۱۳۷۸ ش.
۳. *نهج البلاغه*، _____، شرح صبحی صالح، هجرت، قم، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق.
۴. ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبة الله، *شرح نهج البلاغه*، دار احیاء الکتب العربیه، بی جا، چاپ اول، بی تا.
۵. ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد، *أسد الغابة فی معرفة الصحابة*، دار الفکر، بیروت، ۱۴۰۹ ق.
۶. ابن حیّون، نعمان بن محمد، *دعائم الإسلام*، مؤسسة آل البيت، قم، چاپ دوم، ۱۳۸۵ ق.
۷. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، *تحف العقول عن آل الرسول*، مؤسسة النشر الاسلامی، قم،

- چاپ دوم، ۱۳۶۳ ش.
۸. ابن عساکر، ابوالقاسم علی بن الحسن، *تاریخ مدینة دمشق*، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۵ ق.
 ۹. امین، احمد، *ضحی الاسلام*، دارالکتاب العربی، بیروت، چاپ دهم، بی تا.
 ۱۰. بلاذری، احمد بن یحیی بن جابر، *انساب الأشراف*، دارالمعارف، مصر، ۱۹۵۹ م.
 ۱۱. ثقفی، ابراهیم بن محمد، *الغارات*، دارالکتاب الإسلامی، قم، چاپ اول، ۱۴۱۰ ق.
 ۱۲. جعفری، محمد تقی، *ترجمه و تفسیر نهج البلاغه*، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، چاپ هفتم، ۱۳۷۶ ش.
 ۱۳. جعفری، حسین محمد، *تشیع در مسیر تاریخ*، ترجمه سید محمد تقی آیت اللهی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، چاپ یازدهم، ۱۳۸۲ ش.
 ۱۴. جعفریان، رسول، *حیات فکری و سیاسی امامان شیعه*، انصاریان، قم، چاپ دهم، ۱۳۸۶ ش.
 ۱۵. حسنی، هاشم معروف، *سیرة الأئمة الاثني عشر*، المكتبة الحیدریة، نجف، چاپ اول، ۱۳۸۲ ق.
 ۱۶. شمس الدین، محمد مهدی، *التاریخ و حركة التقدم البشری ونظرة الاسلام*، بی تا، بی جا، بی تا.
 ۱۷. شهیدی، سید جعفر، *تاریخ تحلیلی اسلام*، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، چاپ چهل و نهم، ۱۳۹۲ ش.
 ۱۸. صدر، سید محمد، *تاریخ پس از ظهور*، ترجمه حسن سجادیپور، موعود عصر، تهران، ۱۳۸۴ ش.
 ۱۹. طوسی، محمد بن حسن، *تهذیب الأحکام*، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق.
 ۲۰. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق.
 ۲۱. مجلسی، محمد باقر، *بحار الانوار*، مؤسسه الوفاء، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق.
 ۲۲. مسعودی، علی بن حسین، *مروج الذهب و معادن الجواهر*، دار الهجرة، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۴ ق.
 ۲۳. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، *الأمالی*، کنگره شیخ مفید، قم، چاپ اول، ۱۴۱۳ ق.
 ۲۴. میدانی، احمد بن محمد، *مجمع الامثال*، معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۶۶ ش.
 ۲۵. نحاس، احمد بن محمد، *معانی القرآن*، المملكة العربية السعودية، جامعة أم القرى، چاپ اول، ۱۴۰۹ ق.